

همه از "قره باغ" سهم می خواهند/ بحران "قره باغ"، بحران "روسی-روسی" نیست

نویسنده کتاب "همسایه خانه زاد" گفت: قطعاً روسیه پای ثابت این قضیه است و نمی توانیم نقش روسیه را نادیده بگیریم. منتهی بعضی از دوستانمان بحران "قره باغ" را "روسی-روسی" می بینند و فکر می کنند که این بحران با روسیه شروع شده و با روسیه نیز تمام خواهد شد.



آران نیوز: به بهانه نقض چندباره آتش بس در منطقه "قره باغ" و آغاز درگیری ها در این منطقه بین دو کشور جمهوری آذربایجان و جمهوری ارمنستان، پیرامون مسئله تاریخی و ریشه ای این مناقشه و در ادامه در مورد راهکارهای اتمام این جنگ در منطقه، گفتگویی خبرنگار ائل پرس با مهدی نعلبندی، نویسنده و کارشناس مسائل منطقه انجام داده که در ادامه می آید:

پرسش: 5 روزی می شود که دوباره "ماقشه قره باغ" صحنه جنگ دو کشور جمهوری آذربایجان و جمهوری ارمنستان شده است، در مورد تاریخ آغاز این مناقشه و دلایل روی دادن آن و تجاژی که صورت گرفت، برایمان بفرمایید.

پاسخ: همین اول بحث بگویم که بحران قره باغ حاصل یک اشغال است و اشغال محکوم است. متجاوز باید برگردد سر جای اولش. این از این. اما بحث قره باغ، هم قدیمی و ریشه دار است و هم قضیه پیچیده و بااهمیتی است. نمی توانیم قضیه را ساده تحلیل کرد. این بحران، به نوعی از زمان جنگ جهانی اول و آغاز قرن بیستم، دامن گیر منطقه است. آن زمان یکی از موضوعاتی که منجر به تشکیل سنیم قفقاز و بعدترها جمهوری های مثل گرجستان و آذربایجان و حتی ارمنستان در آن منطقه شد، بحث "قره باغ" بود. حتی یکی از دلایل ورود عثمانی به جنگ جهانی اول این منطقه بود. بلشویسم روس و ارمنی پای ثابت همه تحولات بود در باکو در آن دو سالی که رسول زاده جمهوری آذربایجان را ایجاد کرد. بنابراین پیچیدگی این قضیه از همان زمان ها وجود دارد.

بحث قره باغ را نباید یک قضیه خلق الساعه و حتی در بازه زمانی 20-30 سال دید. از لحاظ تاریخی ریشه دار است. هم ابعاد قومی و هم ابعاد دینی و مذهبی دارد. بعدها سیاست های استالین در مورد خرده هویت های ملی و فرهنگی در دوران شوروی منجر به پابرجا ماندن این بحران شد که بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی خود را نشان داد.

نزدیکی به ترکیه هم یکی دیگر از دلایل بحران خیز بودن این منطقه بوده و هست. شما نگاه کنید به بحث تاریخی و ریشه دار ارمنه و عثمانی و همچنین معاهده موندورس و تنگنایی که رسول زاده در آن گیر کرد و دست آخر با توافق آتاتورک و بلشویست ها و سوسیالیست شدن جمهوری ها به دست نریمان نریمانف. قفقاز جنوبی به قدری مهم است که در جنگ اول بین الملل، اردوی بریتانیا می آید در ساحل باکو لنگر می اندازد. همیشه قره باغ مهم است. از همان اواخر قرن نوزده تا خود 1918 در صد سال گذشته و تا آخرین درگیری ها که در سال 1994 روی داده است، و اخیراً هم جنگی که در چند روز اخیر آغاز شده است، قره باغ مهم بوده و هست.

شرایط منطقه و ساختار نظام بین الملل دو عامل اساسی در سمت و سوی تحولات در قفقاز جنوبی و قره باغ بوده اند. در شرایط کنونی، هژمونی آمریکا و تلاش روسیه برای حضور مجدد در ساختار نظام بین الملل و برقراری توازن قوا، تحرکات اخیر سوریه و شرایط ترکیه، حضور روسیه در سوریه و عراق، همگی در این بحران موثر هستند. اگر می بینیم کشوری همانند پاکستان، یا عربستان از یک طرف دعوا حمایت می کنند، این اهمیت قضیه را بریمان روشنتر می کند. چون منطقه قفقاز دوباره اهمیت تاریخی و دیرینه خود را پیدا کرده است و هیچ کس نمی خواهد حیاط خلوت خود را در این منطقه از دست بدهد.

اخیراً سفر جان کری به منطقه قفقاز، سفر هیئت رسمی از باکو به آمریکا، سفر رییس جمهور ارمنستان به آمریکا، شرایط امروز ترکیه و منازعه مسکو - آنکارا، بحران های داخلی ترکیه، همه از فاکتورهایی هستند که در تحلیل بحران قره باغ مؤثرند. در این بحران ترکیه می تواند راه گریزی برای فرار از وضعیت موجود پیدا کند. سفر رییس جمهور آذربایجان به عربستان و حضور نیروهایی از مناطق شمالی این جمهوری در ترکیب نیروهای داعش را نباید در اعلام حمایت عربستان از یک طرف منازعه نادیده گرفت. این بحران می تواند داعش را قفقاز بکشد. یعنی داعشی های قفقازی تبار که از شمال و بخشی هم از جنوب قفقاز رفته بودند به سوریه و عراق، برگردند به قفقاز جنوبی. پرسش: عده ای از تحلیل گران معتقدند این مناقشه به نفع دولت روسیه می باشد تا این کشور بتواند جای پای خود را در این منطقه محکم تر نماید، در این مورد لطفاً بیشتر توضیح دهید.

پاسخ: قطعاً روسیه پای ثابت این قضیه است و نمی توانیم نقش روسیه را نادیده بگیریم. منتهی بعضی از دوستانمان بحران "قره باغ" را "روسی-روسی" می بینند و فکر می کنند که این بحران با روسیه شروع شده و با روسیه نیز تمام خواهد شد. من در حالی که بحران "قره باغ" را بحرانی منطقه ای در سطح قفقاز و خاورمیانه می دانم، در عین حال بستری برای یک بحران جهانی است. و قطعاً در این بحران، کشورهایمانند ایالات متحده آمریکا، ایران، ترکیه، روسیه و حتی کشورهای منطقه ای مثل عربستان سعودی و حتی پاکستان، می خواهند سهم خود را از این مناقشه بردارند، بنابراین می بینیم که بحران، بحران "روسی-روسی" نیست. گفته می شود پهبادی که سقوط کرده و جمهوری آذربایجان نیز آن را تکذیب می کند، پهباد رژیم صهیونیستی است. به نظر می آید که بحران، بحران چند جانبه است و حل شدن آن نیز با یک اجماع خواهد بود، اگرچه در این میان نقش طرفین دعوا موثرتر و مهم تر می باشد.

به اعتقاد من این بحران به یک جنگ ادامه دار تبدیل نخواهد شد. طرفین برای دست برتر پای میز تلاش می کنند. و ظاهراً تا اینجای کار طرف دست بالا، جمهوری آذربایجان است و فعلاً توانسته قسمتی از خاک قره باغ را از آن خود بکند.

پرسش: همکاری هایی که بین دولت جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی از مدت ها پیش وجود دارد، این تحلیل را هم پیش رویمان می گذارد که "ایران"، هدف نهایی این مناقشه برای محصور کردن در مرزهایش می باشد، نظر شما چیست؟

پاسخ: همکاری های جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی بحث تازه ای نیست. کما اینکه از سال های قبل تلاش بر این است که کنگره جهانی یهودیان را در این کشور برگزار کنند. یا میزان نفوذ اسرائیل در جمهوری آذربایجان نیز قابل ملاحظه است. صهیونیستی دیدن بحران قره باغ، نوعی پاک کردن صورت مسئله است ولی محتمل است که رژیم صهیونیستی بخواهد سهمی از عواید این منازعه داشته باشد. به هر حال پهبادهای اسرائیلی در اختیار اردوی آذری است و فیلم بمباران هایش را هم می گیرد.

تحلیل دیگری که برخی از دوستان مطرح کردند که در این سناریو این محتمل است هدف این باشد که جمهوری اسلامی ایران در مرزهایش محصور شود و عمق استراتژیکی که در لبنان و سوریه و عراق دارد تضعیف شود. من این تحلیل را برای طراحی رویداد قبول ندارم ولی شاید از نتایج بشود بر شمرد. سیاست رسمی اعلام شده، دعوت به آتش بس بود برای دو همسایه شمالی. فعلاً این خوب است. از طرف دیگر مسیر کلی در بحران همان فتوای رهبری است که قره باغ، خاک اسلام است. منتهی در این بین، برخی نهادهای دیگر نیز به وظیفه خود عمل نمایند، یعنی نهادهایی چون مطبوعات، فضای عمومی، ان جی او ها و علمای دین. بحث ترکیب جمعیتی قره باغ را نباید با تمامیت ارضی یک کشور یکی

گرفت. بحران "قره باغ" حاصل یک تجاوز است. آن هم تجاوز ارمنستان به بخشی از خاک جمهوری آذربایجان، بهانه هم ارمنی نشین بودن بخش اعظمی از خاک "قره باغ" است. در تمامی خریطه های سیاسی دنیا قره باغ متعلق به جمهوری آذربایجان است و باید برگردانده شود. استقلال قره باغ را هم هیچ کشوری حتی خود ارمنستان به رسمیت نشناخته است. اینها همه از واضحات مسأله هستند. منتهی اگر این مناقشه بتواند با مذاکره حل و فصل شود، بهتر است، اما دورنما این را نشان نمی دهد.

در همین مذاکرات مینسک، مشکلی که بین کشور مسیحی نشین با کشور مسلمان دارد، عملاً جای خالی کشوری چون ایران که همسایه هر دو کشور طرف دعواست و می تواند بهترین میانجی باشد، دیده می شود. همه می دانند مسیری که در مینسک پیش می رود، منجر به آزادی "قره باغ" نخواهد شد. تحلیلگران آذری نیز معتقدند کاری از گروه مینسک برای مناقشه "قره باغ" برنخواهد آمد.

پرسش: عده ای از هم وطنان داخلی و گروه موسوم به "پان تر" این اعتقاد را دارند که در زمان جنگ، ایران طرف ارمنستان بوده و به جمهوری آذربایجان در آزادی "قره باغ" کمکی نکرده است، در این باره برایمان شفاف سازی نمایید.

پاسخ: فعلاً سندی که به این دوستان مبنی بر تعیین موضع جمهوری اسلامی در قبال "قره باغ" می توانیم نشان دهیم، فیلمی است که اخیراً منتشر شد. آن ویویوی کوتاه که سردار حاج منصور حقیقت پور در جمهوری آذربایجان به نیروهای آذری آموزش می دهد و خود حیدر علی اف آمده برای بازدید از این آموزش. دوستان آذری هنوز بابت سلاح های ما در جنگ 1994 به ایران بدهکارند. این ایلچی بیگ بود که گفت اگر قرار است ایران قره باغ را آزاد کند، من آن را دو دستی به ارمنستان هدیه می کنم. مورد اشغال قرار گرفته است. یعنی سیاست جمهوری اسلامی ایران همیشه نفی اشغال بوده است و عملاً این موضوع را ثابت کرده است. منتهی در آن زمان و هم اکنون نیز بحث این است که آزادی "قره باغ" با انتفاضه و مقاومت اسلامی، باب میل حاکمان غرب نیست.

جمهوری اسلامی ایران در سال 1994 در عمل نشان داد که در کنار کدام کشور است. الان پاکستان دارد بلوف سیاسی می زند. بلوفش هم گرفته. عربستان هم. به هر حال داعشی هایی که با تعالیم وهابیت آشنا شده اند اگر برگردند قفقاز، برای عربستان حوزه نفوذی ایجاد خواهند کرد. حتی برای پاکستان. هم اکنون اقتصاد ترکیه، متأثر از توریست های روس است که تیر و ترکش برای پوست سفیدشان خوب نیست. ترکیه می خواهد که بحران های خود با کشور روسیه را با اهرم فشار قرار دادن این بحران، حل و فصل نماید؟ در قره باغ هیچکس به طرف مسلمان منازعه به قدر ایران کمک نکرده، و هیچکس مظلومتر از ایران نیست. من نمی دانم دوستان تا کی می خواهند خاطرات سرداران ما را در گنجینه ها مدفون کنند؟ این عرایض بنده تشدید جنگ دینی هم نیست. برادران ارمنی ما در ایران، در درجه اول ایرانی هستند و با اشغال مخالفند.

صحت پایانی.

بهرحال بعد از سال ها، ما در جمهوری آذربایجان، حرکتی برای "قره باغ" دیدیم. کم کم داشت به جوک تبدیل می شد. برخی از تحلیلگران و روزنامه نگاران آذربایجانی اعتقاد دارند که "قره باغ" می تواند با مقاومت اسلامی آزاد شود.

من به برادران و خواهران عزیزم در جمهوری آذربایجان، شهادت نیروهای مدافع تمامیت ارضی شان را که در راه آزاد سازی "قره باغ" شهید شده اند و شهدای اشغال و مقاومت هم هستند، تسلیت می گویم. امیدوارم کشورهای منطقه به خصوص حاکمان جمهوری آذربایجان و ارمنستان، این بحث را خود حل و فصل نمایند. حل و فصل خارجی این بحران، نه به نفع ملت آذربایجان و نه به نفع ملت ارمنستان خواهد بود. دو طرف باید خود با مذاکره مشکلات را حل نمایند. به مسوولین خودمان هم می گویم که الان وقت سکوت نیست و باید به صورت جدی وارد عمل شد. ایران، کشوری قدرتمند در منطقه است، و با هر دو کشور مرز مشترک دارد و قطعاً قدرت میانجی گری کشور ایران در بین کشورهای دیگر، در منطقه بسیار بالاست. ایران بهترین میانجی برای قره باغ است. مردم جمهوری آذربایجان نیز امید اول خودشان را ایران معرفی می کنند.

به نظرم ما به قدر کافی تمرین دیپلماسی کرده ایم و در حوزه دیپلماسی قوی شده ایم که بتوانیم در این بحث وارد شویم و بحرانی مرکب و پیچیده را که به نظر می رسد مدعی هم زیاد دارد، تبدیل به مناقشه "آذری- ارمنی" کنیم و اگر این اتفاق بیافتد، به راحتی حل خواهد شد. اما اگر مدعی زیاد داشته باشد، قطعاً دو طرفی که ضرر خواهد کرد، هم جمهوری آذربایجان و هم ارمنستان خواهد بود.

جمله آخرم هم این که: هله بوندان سورا دیر لذتی میخانه میزین.